

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

همراهی خون و خدا

شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران

تألیف:

رامین مددلو



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: همراهی خون و خدا: شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران

مؤلف: رامین مددلو

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

طراح جلد و مشاور هنری: رسول خسروبیگی

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۶۵۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۱-۲

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • www.press.isu.ac.ir

سرشناسه: مددلو، رامین، ۱۳۶۸-

عنوان و نام پدیدآور: همراهی خون و خدا: شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران /
تألیف رامین مددلو.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۹۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۱-۲

موضوع: شیعیان -- ترکیه

موضوع: شیعیان -- ترکیه -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- تأثیر بر ترکیه
موضوع: ترکیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: BP ۲۳۹

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۵۳۰۹۵۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۲۲۷۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
سخن مرکز رشد.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
فصل اول: پیاده‌روی‌های طولانی.....	۲۱
درآمد.....	۲۱
۱-۱. مطالعات کتابخانه‌ای.....	۲۱
۲-۱. مشارکت در زیست روزمره.....	۴۴
۳-۱. مصاحبه‌های متعدد.....	۴۸
۴-۱. شکستگی‌های مسیر.....	۴۹
۱-۴-۱. دوگانه وسوسه و مقاومت.....	۴۹
۲-۴-۱. عادت می‌کنیم.....	۵۰
۳-۴-۱. زمان دستکم‌گرفتنی نیست.....	۵۱
۴-۴-۱. مصائب صداقت.....	۵۱
جمع‌بندی فصل.....	۵۲
فصل دوم: ترکیه در نگاهی سریع.....	۵۵
درآمد.....	۵۵
۱-۲. تولد کشوری نو.....	۵۵
۲-۲. دموکراسی به روش آتاتورک.....	۶۱
۳-۲. کشور کودتاها.....	۶۵

۴ □ همراهی خون و خدا؛ شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران

- ۶۵..... ۲-۳-۱. کودتای اول: اعدام نخست‌وزیر
- ۶۸..... ۲-۳-۲. کودتای دوم: قدرت یادداشت
- ۶۹..... ۲-۳-۳. کودتای سوم: صدای پای انقلاب
- ۷۲..... ۲-۳-۴. کودتای چهارم: کودتای پست‌مدرن
- ۸۴..... ۲-۴-۴. دوران حزب عدالت و توسعه
- ۸۸..... ۲-۴-۱. حاکمیت دوگانه
- ۸۹..... ۲-۴-۲. حاکمیت یکپارچه
- ۹۴..... ۲-۴-۳. حاکمیت مقتدرانه اردوغان
- ۹۵..... ۲-۵-۵. اسلام‌گرایی ترکی
- ۹۵..... ۲-۵-۱. اسلام سیاسی
- ۹۶..... یک. «دیدگاه ملی» اربکان
- ۹۸..... دو. حزب عدالت و توسعه
- ۱۰۰..... ۲-۵-۲. اسلام جماعتی و طریقتی
- ۱۰۱..... یک. سلیمانجی‌لر
- ۱۰۲..... دو. جماعت اسکندر پاشا
- ۱۰۳..... سه. جنبش گولن
- ۱۰۵..... چهار. جماعت اسماعیل آقا
- ۱۰۶..... پنج. منزلجی‌لر
- ۱۰۶..... ۲-۵-۳. اسلام در متن جامعه
- ۱۰۷..... یک. عقاید
- ۱۰۷..... دو. رفتار دینی
- ۱۰۹..... سه. اسلام در اجتماع
- ۱۱۱..... ۲-۶-۶. قومیت‌ها
- ۱۱۳..... ۲-۶-۱. کُرد
- ۱۱۵..... ۲-۶-۲. زازا
- ۱۱۶..... ۲-۶-۳. قفقازی
- ۱۱۶..... ۲-۶-۴. عرب

۱۱۹	جمع‌بندی فصل
۱۲۱	فصل سوم: شیعیانِ نخستین
۱۲۱	درآمد
۱۲۲	۱-۳. ایرانیان مهاجر
۱۲۴	۱-۳-۱. مراکز ایرانیان در استانبول
۱۲۴	یک. کاروان‌سرای والده خان
۱۲۵	دو. مسجد والده خان
۱۲۶	سه. قبرستان ایرانیان
۱۲۷	چهار. مسجد سید احمد دره‌سی
۱۲۸	۲-۳. علویان
۱۲۹	۱-۲-۳. یک سبک برای زندگی، یک نژاد برای هویت بخشی
۱۳۱	۲-۲-۳. علویان جعفری
۱۳۴	۳-۳. مستبصرین
۱۳۵	جمع‌بندی فصل
۱۳۷	فصل چهارم: شیعیان آذری ترکیه
۱۳۷	درآمد
۱۳۸	قسمت اول: مهاجرت به آناتولی
۱۴۰	۱-۴. شهرهای شرقی
۱۴۰	۱-۴-۱. ولایت کارس
۱۴۰	یک. شهر کارس
۱۴۲	دو. شهر آکیاکا
۱۴۲	سه. شهر آرپاچای
۱۴۳	۲-۱-۴. ولایت آغری
۱۴۳	۳-۱-۴. ولایت ایغدیر
۱۴۳	یک. شهر ایغدیر
۱۴۴	دو. شهر آزالنک

- سه. شهر تولوجا ۱۴۴
- ۲-۴. شهرهای غربی ۱۴۴
- ۱-۲-۴. آنکارا ۱۴۵
- ۲-۲-۴. ازمیر ۱۴۶
- ۳-۲-۴. بورسا ۱۴۶
- ۴-۲-۴. مانيسا ۱۴۶
- ۵-۲-۴. کوچا علی ۱۴۷
- ۶-۲-۴. استانبول ۱۴۸
- ۷-۲-۴. مراکز شیعیان استانبول ۱۵۰
- یک. مساجد ۱۵۰
- قسمت دوم: گروه‌های مذهبی ۱۵۶
- ۳-۴. گروه زینبیه: نوستالژی دهه هشتاد میلادی ۱۵۸
- ۱-۳-۴. انجمن خیریه زهرا ی مادر ۱۶۰
- ۲-۳-۴. انجمن فرهنگی صلح و همبستگی پدر ۱۶۰
- ۳-۳-۴. ایفا اسپور ۱۶۰
- ۴-۳-۴. شبکه تلویزیونی چهارده (ON4 TV) ۱۶۲
- ۵-۳-۴. یک جامعه شیعی کوچک ۱۶۲
- ۶-۳-۴. هویت شیعی - آذری از نوع زینبیه ۱۶۳
- یک. استحکام ساختار درونی ۱۶۴
- دو. شیعیان «ترکیه ترک» ۱۶۵
- سه. رهبری علما ۱۶۷
- ۴-۴. گروه کوثر: صدای بلندتر ۱۶۸
- ۱-۴-۴. انتشارات کوثر ۱۶۸
- ۲-۴-۴. انجمن بین‌المللی کمک‌های انسانی کوثر ۱۷۳
- ۳-۴-۴. جهان‌وطنی از نوع کوثر ۱۷۳
- یک. نشر فراجماعتی بینش ۱۷۳
- دو. شیعیان «جهان اسلام» ۱۷۴

فهرست مطالب □ ۷

سه. رهبری عقل جمعی	۱۷۵
۵-۴. انجمن تایدر	۱۷۶
۴-۵-۱. عرصه‌های فعالیت	۱۷۸
یک. جذب دانشجویان	۱۷۸
دو. فعالیت‌های رسانه‌ای	۱۷۸
سه. برنامه‌های عمومی	۱۸۰
۴-۵-۲. فهم‌های جدید از اجتماع شیعی	۱۸۰
یک. تغییر تمرکز از طلبه به دانشجو	۱۸۰
دو. در تلاش برای ارتقای اجتماع به جامعه	۱۸۱
سه. تغییر پایتخت	۱۸۲
چهار. عقل جمعی	۱۸۲
پنج. اسلام سیاسی	۱۸۲
بخش سوم: جایگاه شیعیان آذری در سیاست ترکی	۱۸۲
۴-۶. ترجیح اختیاری	۱۸۳
۴-۷. ترجیح اجباری	۱۸۴
۴-۷-۱. چرا حکومت لائیک؟	۱۸۶
۴-۷-۲. مشکل کجاست؟	۱۸۸
۴-۷-۳. مطالبات شیعی از حکومت فرضی لائیک	۱۸۹
یک. تحصیل حکومت‌داری	۱۹۰
دو. خطاب یکسان از سوی حکومت	۱۹۱
جمع‌بندی فصل	۱۹۲
فصل پنجم: انقلاب اسلامی و شیعیان آذری ترکیه.	۱۹۵
درآمد	۱۹۵
۵-۱. انقلاب اسلامی و جامعه ترکیه	۱۹۵
۵-۲. انقلاب اسلامی و شیعیان آذری ترکیه	۲۰۸
جمع‌بندی فصل	۲۱۹

نتیجه‌گیری	۲۲۱
ضمایم	۲۲۹
برشی از مراسم احیا	۲۲۹
ترس	۲۳۴
بی‌یاور	۲۳۷
روز قدس	۲۴۱
الف. دغدغه ذهنی	۲۴۱
ب. شرح مشاهده	۲۴۱
ج. شرح دغدغه با مشاهده	۲۴۴
فلسطین از چشم ترک‌ها	۲۴۵
تغییر رویه؟	۲۴۸
الف. حیرانی	۲۴۹
ب. جستجو	۲۵۰
ج. تغییر؟	۲۵۱
د. ارتش اسلامی؟	۲۵۲
خلوص یا تنوع؟	۲۵۲
در جستجوی افکار آینده	۲۵۴
یادداشت‌ها	۲۵۹
فصل اول	۲۵۹
فصل دوم	۲۶۱
فصل سوم	۲۶۴
فصل چهارم	۲۶۵
فصل پنجم	۲۶۷

منابع و مأخذ.....	۲۶۹
الف. فارسی	۲۶۹
ب. انگلیسی	۲۷۱
ج. ترکی استانبولی.....	۲۷۲
د. سایت‌های اینترنتی	۲۷۴
نمایه	۲۷۷

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-۲: انقلابات آتاتورک ۱.....	۶۲
جدول ۲-۲. انقلابات آتاتورک ۲.....	۶۳
جدول ۳-۲: «نگاه جامعه به دین و ارزش‌های دینی در ترکیه» مؤسسه ماک.....	۱۰۷
جدول ۴-۲: «نگاه جامعه به دین و ارزش‌های دینی در ترکیه» مؤسسه ماک.....	۱۰۸
جدول ۵-۲: «نگاه جامعه به دین و ارزش‌های دینی در ترکیه» مؤسسه ماک.....	۱۰۹
جدول ۶-۲: جمع‌بندی نظرسنجی‌های چندساله مؤسسه کندا.....	۱۱۰
جدول ۱-۴: نام و محل تقریبی قرارگیری مساجد شیعی استانبول.....	۱۵۴

فهرست تصویرها

تصویر ۱-۲: قلمرو امپراتوری سلجوقیان آناتولی در دوره‌های مختلف تاریخی.....	۵۶
تصویر ۲-۲: قلمرو امپراتوری عثمانی در دوران اوج، سال‌های ۱۴۸۱ الی ۱۶۸۳... ..	۵۷
تصویر ۳-۲: نتیجه معاهده سور: بخش مرکزی نقشه به رنگ سفید، مناطق اطراف آنکارا، تحت سلطه عثمانی باقی می‌ماند.....	۶۰
تصویر ۴-۲: نتیجه پیمان لوزان: مناطق اشغال شده از سوی متجاوزان غربی پس گرفته شده و تشکیل کشورهای کردستان و ارمنستان در آناتولی منتفی گردید.....	۶۰

- تصویر ۲-۵: تغییر حروف الفبای زبان ترکی از عربی به لاتین، ۱۹۲۸..... ۶۴
- تصویر ۲-۶: میتینگ رهایی قدس، قونیه: ۱۹۸۰..... ۷۲
- تصویر ۲-۷: پرتاب نمادین سنگ به نظامیان صهیونیست، نمایش مراسم شب قدس سال ۱۹۹۷ در سینجان آنکارا..... ۸۲
- تصویر ۲-۸: مقاله مجله آیدینلق با عنوان: آبرامویتز [سفیر آمریکا در آن زمان] طیب را برای جایگزینی اربکان آماده می‌کند..... ۸۷
- تصویر ۲-۹: تشییع جنازه شیخ محمدزاهد کوتکو، ۱۹۸۰: استانبول..... ۱۰۲
- تصویر ۲-۱۰: پراکنندگی قومیت‌ها در ترکیه..... ۱۱۲
- تصویر ۳-۱: ورودی کاروان‌سرای والده خان..... ۱۲۴
- تصویر ۳-۲: کاشی نصب شده بر روی دیوار مسجد والده خان: مسجد ایرانیان والده خان، قرن ۱۷..... ۱۲۵
- تصویر ۳-۳: درب ورودی قبرستان ایرانیان..... ۱۲۶
- تصویر ۳-۴: مسجد سیداحمد دره‌سی..... ۱۲۷
- تصویر ۳-۵: جم‌اوی (جمع خانه) علویان..... ۱۲۹
- تصویر ۳-۶: مسجد اهل بیت (علیهم‌السلام) علویان جعفری شهر چروم..... ۱۳۴
- تصویر ۴-۱: مسجد امام علی (علیه‌السلام) شهر کارس..... ۱۴۱
- تصویر ۴-۲: بنیاد شیعیان ترکیه در شهر کوچاعلی..... ۱۴۷
- تصویر ۴-۳: دسته عزاداری بانوان شیعه شهر کوچاعلی در عاشورای ۲۰۱۷..... ۱۴۸
- تصویر ۴-۴: مسجد زینبیه استانبول..... ۱۵۱
- تصویر ۴-۵: مرکز دینی و فرهنگی در حال ساخت زینبیه استانبول، سال ۲۰۱۹..... ۱۵۳
- تصویر ۴-۶: مسجد امام علی (علیه‌السلام) استانبول..... ۱۵۴
- تصویر ۴-۷: مرحوم حمید توران امام جماعت سابق مسجد زینبیه و شیخ اوزگوندوز رهبر گروه زینبیه..... ۱۵۹
- تصویر ۴-۸: آرم تعدادی از انجمن‌های و گروه‌های زیرمجموعه گروه زینبیه..... ۱۵۹
- تصویر ۴-۹: تیم فوتبال ایفاسپور در سال‌های نخست تأسیس..... ۱۶۱
- تصویر ۴-۱۰: بازی ایفاسپور با تیم استانبول‌اسپور در سال ۲۰۱۴..... ۱۶۱
- تصویر ۴-۱۱: کتابفروشی انتشارات کوثر در منطقه باغچنلار..... ۱۷۰

فهرست مطالب □ ۱۱

- تصویر ۴-۱۲: آرم انجمن تایدرد ۱۷۷
- تصویر ۴-۱۳: اردوی علمی - فرهنگی تابستانی انجمن تایدرد، تابستان ۲۰۱۸، شهر
بورسا ۱۷۸
- تصویر ۴-۱۴: دو کتاب منتشره از حجت الاسلام صباح الدین ترک یلماز ۱۷۹
- تصویر ۵-۱: یکی از تجمعات جنبش دیدگاه ملی؛ اردوغان در حال سخنرانی، اربکان
در کنار وی و شهید یوکسل نشسته بر روی سقف خودرو ۱۹۹
- تصویر ۵-۲: شماره هجده نشریه هجرت، ۱۲ مارس [مارت] ۱۹۸۰ ۲۰۳
- کتاب دکتر شریعتی در کتابفروشی انسان ۲۵۸

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون

توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله) تأسیس شد. اسلامیّت نظامی که به‌گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است؛ و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به‌مرور از درون تهی شده و به‌سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توشه‌ای که از خرم‌ن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله) برجسته بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله) که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی}، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در بین دانش‌آموختگان خود،

افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشاندن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (رحمته‌الله) عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پریچ‌وخم پیش رو دارند؛ و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد؛ و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (رحمته‌الله) را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

مقدمه

با قوام گرفتن نهضت صفوی، دنیای شمال غربی ایران که ذیل حاکمیت امپراتوری عثمانی بود به شکل رقیبی قدر خود را نشان داد. امپراتوری عثمانی نمی توانست برآمدن امپراتوری صفوی را در مرزهای شرقی خود نادیده گیرد. نهضت صفوی نیز عثمانی را از همان ابتدا نه یک همسایه بلکه یک رقیب تعریف نمود. رقابت تنها بر تفاوت مذهب بنیان نگاشته بود؛ بلکه ترس از دست دادن کیان نهضت / امپراتوری در دو سوی شرق و غرب جهان اسلام بر دیوان همایون اسلامبول و عالی قاپوی اصفهان سایه افکنده بود. به یک معنا، این ترس چنان با مذهب آمیخته گشته بود که جدا نمودن آنها چندان امکان پذیر نبود. سبب این آمیختگی نیز از سویی سوء نظر امپراتوری عثمانی بر مناطق اهل سنت ایران صفوی (مانند منطقه کردستان که در جنگ چالدران دوسوم آن را به چنگ آورد) در وهله اول و از سوی دیگر چشم امید امپراتوری صفوی به مناطق شیعه نشین و علوی تبار عثمانی بود. رقابت از در دشمنی وارد شد و دو نیروی توانمند جهان اسلام را به جنگ های متعدد کوچک و بزرگ با یکدیگر کشاند. اگر از دوره های صلح زیر سایه عهدنامه های متعدد فیما بین گذر کنیم، انتهای جنگ های ایران و عثمانی به سال ۱۸۳۹ میلادی ختم شد. عهدنامه ارض روم دوم در سال ۱۸۴۷ میلادی مهر پایانی بود بر دشمنی و سوء نظرها و چشم امیدها؛ اما شروع فراموشی یکدیگر نبود. ایران و عثمانی همواره بر یکدیگر اثرگذار بوده و بر ملل یکدیگر نفوذ داشتند. نفوذ را می توان در عمق تاریخ تا قیام های علویان در دوره عثمانی به هواخواهی صفویه (مانند قیام های شاه قلی بابا و نورعلی خلیفه) و خیانت ۲۵ حکمران محلی کرد

در جنگ چالدران و پیوستن آنان به امپراتوری عثمانی عقب برد؛ تأثیر را نیز به همین نسبت. چه از ساخت عالی‌قاپو به تقلید از دیوان همایون یا همان باب عالی اسلامبول شروع کنیم، چه از جایگاه زبان فارسی در امپراتوری عثمانی میان تحصیل‌کردگان و چه حتی از مشروطه عثمانی و ایرانی؛ تاریخ همسایگی این دو ملت مشحون از تأثیر و تأثر بود. آیا میان پایان تاریخ عثمانی / شروع تاریخ جمهوری لائیک ترکیه در ۱۹۲۳ و پایان تاریخ قاجار و شروع تاریخ پهلوی در ۱۹۲۵ نیز تأثیر و تأثر میان دو ملت جایی در حوادث داشت؟ با این پرسش دقیق می‌شویم که عثمانی و قاجار / زندیه / افشار / صفوی نماد سنت بودند و جمهوری لائیک و پهلوی نماد تجدد شدند. سنتی که عاجز، پوسیده، محروم از حس و ادراک و با تکالیفی احمقانه (Kemal, 1938: 490-498) از سوی متجددمسلکان لقب گرفته بود. دقیق‌تر خواهیم شد آنگاه که بخوانیم تنها سفر رضاشاه به جمهوری لائیک ترکیه در سال ۱۹۳۴ بود. پیش از سفر دعاوی ارضی ایران و ترکیه بالاخره به پایان رسید و پس از سفر برخی از انقلاب‌های آتاتورک به مقلدی رضاشاه در ایران پیاده شد. با گذر از این پرسش، اگر از جدایی دوسوم کردستان و انقلاب‌های آتاتورک به عنوان دو مقوله اصلی اثرگذاری همسایه شمال‌غربی بر ایران نام ببریم؛ نام بردن از قیام‌های علویان در دوران صفوی / عثمانی و انقلاب اسلامی ایران به عنوان دو مقوله اصلی اثرگذار ایران بر همسایه شمال‌غربی خود چندان بی‌وجه نخواهد بود.

انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، نه انقلابی در سطح کشور ایران بلکه لریزه‌ای در منطقه بود. اگرچه انقلاب اسلامی ایران شروع‌کننده توجه دوباره به اسلام در ترکیه لائیک نبود و اسلام‌گرایی در ترکیه لائیک از تاریخی عمیق‌تر نسبت به انقلاب اسلامی ایران برخوردار بود؛ اما واقع آن است که در نیرومندسازی، بارورسازی و مسیرگشایی اسلام‌گرایی ترکی، تأثیر بسزایی داشت. در باب اثرات انقلاب اسلامی ایران در ترکیه کنونی مطالعات متعددی انجام پذیرفته است؛ لیکن پژوهش حاضر در جستجوی ارتباطی از نوع نزدیک میان انقلاب اسلامی و جامعه ترکیه بود؛ ارتباطی که از همسایگی فراتر رود و نوعی از برادری را رقم زد؛ نه مانند ارتباط صفوی و علوی و نه مانند ارتباط ترک و قبرس شمالی. بلکه ارتباطی خودسازنده که قواعد و چهارچوب‌هایش را خود تعریف کرده است. چنین ارتباطی را میان شیعیان آذری ترکیه

و انقلاب اسلامی ایران یافتیم. آشنایی ام با شیعیان آذری ترکیه از مسیر دیگری رقم خورده بود، مدتی به دنبال تجربه هویت‌ها در کف خیابان خاورمیانه بودم و دنیای شمال غربی، آناتولی قدیم، عثمانی اندکی قدیم و ترکیه لائیک امروز مکانی بود که صحنه تجربه را برایم فراهم می‌کرد؛ تجربه رویارویی با هویت‌ها. در ترکیه لائیک امروز می‌توانستم در اقلیت بودن از منظر مذهب را تجربه کنم، می‌توانستم در اقلیت بودن از منظر قومیت در جامعه قومیت‌زده را تجربه کنم، می‌توانستم روند هویت‌یابی در مسیری متفاوت با اکثریت را تجربه کنم. به همین جهت به دنبال ساخت یک هویت در میان اقلیت‌های ترکیه برای خود رفتم. کرد، علوی و ارمنی هویت‌های جذابی در ترکیه امروز بودند، اما چون نمی‌توانستم با آنها یکی شوم و نیز چون در سیاست وزن داشتند امکان تجربه نزدیک را به من اعطا نمی‌کردند. در جستجوی اقلیتی که دو وجه از وجوه سازنده هویت واقعی ام یعنی مذهب و قومیت را دربرگیرد، در سیاست چندان قابل ذکر نباشد، منسجم نباشد، توان اقتصادی مهمی نداشته باشد و توانمند نباشد، به شیعیان آذری ترکیه رسیدم. در آن هنگام که زیستن در کالبد هویت موقت و جدیدم را تجربه می‌کردم، به سمت بازخوانی انقلاب اسلامی ایران از دید هویت موقت‌کشانده شدم: انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر زیست اقلیت نه چندان مهم شیعه (در جامعه ترکیه) آذری در ترکیه داشت؟ آیا توانست هدایتگر (مستقیم یا غیر مستقیم) آنان از جماعتی حاشیه‌ای به جماعتی قابل اعتنا باشد؟ هدایت‌گری که نه همچون تاریخ این دو همسایه به دنبال نفوذ و دخالت و تصمیم‌گیری باشد؛ بلکه در پی فراهم ساختن زمینه خودشناسی باشد. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این دو پرسش به نگارش درآمد.

از آقایان ضیاء ترک‌یلماز، دکتر سیدمجتبی امامی، دکتر مصباح‌الهدی باقری و مسعود صدر محمدی به خاطر راهنمایی‌ها و حمایت‌هایشان بی‌نهایت ممنونم. حامی اصلی این پژوهش مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) بود که حضور در جامعه ترکیه را در قالب یک فرصت مطالعاتی برایم فراهم ساخت، انجمن تحقیقات و همیاری‌های اجتماعی (تایدر) در ترکیه نیز مهربانانه یاری‌گر من در به سرانجام رسیدن این پژوهش بود، از هر دوی این مراکز سپاسگزارم. دو استاد بزرگوار دانشگاه مفید قم، آقایان دکتر محمود شفیعی و دکتر سیدصادق حقیقت، امکان حضور در کشور ترکیه را با هویت

۲۰ □ همراهی خون و خدا؛ شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران

دانشگاهی ام فراهم نمودند و از این بابت کمال تشکر را از آنان دارم. کارمندان کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های استانبول، بوغازیچی و امام صادق (علیه السلام) نیز در طول دوران پژوهش و نگارش درخواست‌هایم را صمیمانه پاسخ می‌گفتند؛ دست تمامی کارکنان این کتابخانه‌ها را صمیمانه می‌فشارم.

رامین مددلو

فصل اول

پیاده‌روی‌های طولانی

درآمد

برای دستیابی به پاسخ پرسش تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان آذری ترکیه، ابتدا نیازمند آن بودم که از این جماعت فهم کافی به دست آورم و سپس با نگاهی توصیفی و مردم‌نگارانه هویت موقت شیعه آذری ترکیه را بر خود بار نموده و سعی در فهم دنیای اطراف و سپس انقلاب اسلامی با این هویت موقتم نمایم. به دیگر معنا پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش، نیازمند ساخت بستری اولیه مبتنی بر پاسخ به پرسش «شیعیان آذری ترکیه که هستند و می‌خواهند که باشند؟» بود. پس قدم اولی که باید برداشته می‌شد آشنایی بود و پس از آشنایی، باید در عمق نگاه‌ها و دیدگاه‌های جماعت شیعه آذری ترکیه نسبت آنان با جهان اطراف و در نتیجه انقلاب اسلامی ایران را درمی‌یافتم. برای قدم گذاشتن در این مسیر از سه روش بهره بردم: مطالعات کتابخانه‌ای، مشارکت فعال و غیرفعال در زیست روزمره شیعیان ترکیه، انجام مصاحبه‌های متعدد با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری غیرخطی توپ برفی.

۱-۱. مطالعات کتابخانه‌ای

با آنکه تصمیم داشتم با نگاهی مردم‌نگارانه از طریق مصاحبه و مشارکت در زیست روزمره جماعت شیعیان آذری ترکیه به پاسخ این دو پرسش دست‌یابم؛ اما به سبب

مدت زمان کوتاه «حضور» [۱] در جامعه هدف و نیز به منظور کاستن از ابهام‌ها و جلوگیری از تفاسیر اشتباه از وقایع و نمادها دست به مطالعات گسترده‌ای در میان نوشتجات فارسی و ترکی زدیم. محوریت مطالعاتم آشنایی با جماعت شیعه آذری ترکیه بود و مطالعه در باب تأثیر و تأثر از انقلاب اسلامی را به دوران حضور و نیز پس از آن موکول کردم. سعی نمودم در مطالعه، روایت ترکی را بر روایت ایرانی اولویت دهم. اولین حرکت قابل ذکر در این زمینه، دیدار با آقای ضیاء ترک ییلماز و مطالعه نوشته‌های ایشان بود. آقای ییلماز در حال حاضر از جمله فعالان غیرروحانی حوزه اجتماعی - سیاسی شیعیان ترکیه هستند که خود را متمرکز در امور دانشجویان شیعه ترکیه و حفظ انجمن تحقیقات و همیاری‌های اجتماعی (تایدر) نموده‌اند. انجمن تایدر به ابتکار وی، برادر روحانی‌شان (آقای صباح‌الدین ترک ییلماز، ساکن آلمان) و تعدادی دیگر از فعالان شیعه آذری ترکیه حدود ۱۳ سال پیش تأسیس شد که سعی داشت برخلاف دو گروه شیعی زینبیه و کوثر، تعاملات شیعی در محیط‌های دانشگاهی را محور فعالیت‌های خود قرار داده و سامان بخشد. روایت آقای ییلماز، بیان داستان زندگی شخصی‌اش به عنوان یک نمونه تیبیکال از شیعیان غیرروحانی فعال اجتماعی بود. کودکی ایشان، حال و هوای شیعیان در شهر ایغدیر پیش از انقلاب بود و جوانیشان، حال و هوای شیعیان پس از انقلاب اسلامی ایران. ایشان روایت شفاهی خود را با متونی که در این زمینه نوشته بودند و دربردارنده تاریخ حضور شیعیان در ترکیه و گروه‌بندی‌های مذهبی میان آنان بود قوام بخشیدند. به یک معنا روایت ایشان پاسخ به این سؤال بود: «شیعیان ترکیه که بودند؟» اما الآن که هستند؟ از میان گفته و نوشته‌های آقای ییلماز این برداشت را کردم: «شهروندانی هستند که تلاش می‌کنند خود را از شهروند درجه دو بودن بالا بکشند». از این دیدار و مطالعه متونی که آقای ییلماز در اختیارم قرار دادند، ذهنم پیرامون واژه شهروند درجه دو متمرکز شد، این واژه به چه معناست؟ کدام اتفاق(ها) موجب شده است که شیعیان آذری در جامعه ترکیه متصف به این واژه گردند؟ باید در همراهی با زیست روزمره شیعیان به این مسئله توجه می‌کردم. روایت آقای ییلماز دربردارنده سه نکته اساسی بود: شیعیان و سیاست (و ذیل آن روحانیت شیعه و سیاست)، انقلاب اسلامی ایران و نیز تقابل گروه‌های شیعی با یکدیگر در بستر جامعه گروه‌بندی نشده شیعی ترکیه (ترک ییلماز، ۱۳۹۵: ۳).

شروع به جستجوی روایت‌هایی نمودم که شیعیان ترکیه را از نگاه یک شهروند عادی ترکیه روایت کرده بودند. مهم‌ترین اثری که در این زمینه به فارسی برگردان شده بود پایان‌نامه خانم آیشن بایلاک با عنوان «تاریخ و زندگی شیعیان امامی ترکیه» بود. این روایت در سال ۲۰۰۹، در دانشگاه بوغازچی و ذیل حوزه مطالعاتی مردم‌شناسی تولید شده بود. نکته مهمی که از این روایت آموختم آن بود که شیعیان ترکیه ذیل نام گروه کلان علویان قرار گرفته و در خود جامعه ترکیه، اقلیتی ناشناخته هستند. ناشناخته بودن شیعیان را در آینده مسیر مشاهده نمودم، آنگاه که رئیس یکی از احزاب ترکیه با شیخ اوزگوندوز (رهبر گروه زینبیه شیعیان استانبول) دیدار کرده (در جهت جلب آرای شیعیان) و بیان داشته بود که چرا در کشور ما علویان نتوانند مساجد خودشان را آزادانه احداث کنند؟ یعنی رئیس حزب مدنظر تصور کرده بود شیعیان همان علویان هستند و مساجد شیعیان چیزی شبیه جم‌اوی (جمع‌خانه) [۲] علویان... [۳]. با این حال، جستجوی منابع ترکی استانبولی نشان می‌داد میزان توجه به شیعیان جعفری در میان دانشگاهیان ترکیه رو به افزایش است. دلیل این افزایش خود سؤال بود که باید پاسخ داده می‌شد. نکته دیگری که آموختم آن بود که مراسم ایام محرم جایگاه بسیار مهمی در شناساندن شیعه در جامعه ترکیه دارد. همچنین دو عنصر عدالت‌طلبی و شهادت ذیل اسلام فرهنگی بازیگران اصلی شناسنامه شیعیان ترکیه هستند (بایلاک، ۱۳۹۰: ۶۸۶-۶۸۸).

روایت دیگر، رساله دکتری آقای علی آلبایراک با عنوان «زندگی اجتماعی و دینی شیعیان: مطالعه موردی محله کچی اؤرن آنکارا» بود. این رساله در سال ۲۰۰۶، در دانشگاه آنکارا و ذیل حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی دین به سرانجام رسیده بود. آقای آلبایراک از طریق پرسشنامه بسته تلاش نمودند عقاید، عبادات و زندگی دینی شیعیان محله مذکور را بر اساس پارامترهای جنسیت، سن، تحصیلات، مکانی که از آنجا به آنکارا مهاجرت نموده‌اند و غیره دسته‌بندی کند. رساله، نکات جالبی را از چگونگی هم‌زیستی شیعیان با سایر مذاهب اسلامی بیان می‌نمود (Albayrak, 2006: 178).

این سه روایت، روایت‌هایی بودند که ذهنیت اولیه‌ام را درباره شیعیان ترکیه شکل دادند و نقطه اتکایم برای پیگیری جدی‌تر پژوهش شدند. البته در کنار آنها خرده‌روایات متعددی نیز مانند مقاله «مقایسه میان شیعیان جعفری و علویان ترکیه»

نوشته دکتر عبدالقادر یلر (Yeler, 2010: 331-340) و نیز سایت‌های شیعیان ترکیه اعم از سایت‌های خبری و عقیدتی [۴] بود که در حد خرده‌روایت به آنها توجه شد. این سه روایت و نیز خرده‌روایت‌ها یک نقضیه بزرگ داشتند و آن تمرکز روایات سه‌گانه بر مهاجران شیعه به شهرهای بزرگ ترکیه بود و خبری از اوضاع اکنون شیعیان شرق ترکیه در شهرهای ایغدیر، کارس و اطراف آنها نبود. البته روایت آقای ییلماز سعی داشت اندکی این نقیصه را جبران کند.

در ادامه مطالعات به روایات ایرانی از شیعیان ترکیه پرداختم. به نوشته‌های اندکی در این باره برخورد کردم که از جمله آنها ویژه‌نامه نشریه زمانه بود. این نشریه در سال ۹۱ ویژه‌نامه‌ای برای شیعیان ترکیه با عنوان «شیعیان جعفری» منتشر کرده بود؛ دربرگیرنده مقالات دو سه صفحه‌ای (زمانه، ۱۳۹۱). تعدادی مقاله نیز مانند مقاله «شیعیان ترکیه؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی» آقای اکبری کریم‌آبادی بود (کریم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۲۰۰). همچنین بخشی از یک کتاب به شیعیان ترکیه اختصاص یافته بود مانند فصل دهم کتاب اطلس شیعه آقای رسول جعفریان که البته بخش عمده‌ای را به علویان ترکیه اختصاص داده بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۶۲۹-۶۵۳). چند مصاحبه و یادداشت اینترنتی نیز بود که فراتر از ویژه‌نامه نشریه زمانه نمی‌رفتند. شاید مهم‌ترین اثری که به فارسی درباره شیعیان ترکیه نگارش شده، کتاب آقای بابک وفایی با عنوان «شیعیان ترکیه، اوضاع سیاسی اجتماعی» باشد که به معرفی شیعیان ترکیه، جمعیت، پراکندگی، وضعیت اقتصادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی شیعیان، تأثیر انقلاب اسلامی و نیز علویان و طریقت‌های علوی پرداخته بود.

در مجموع شاهد روایت ایرانی از شیعیان ترکیه نبودم. شکست در جستجوی نخست، موجب شد که دیگر به روایات ایرانی مکتوب امید نداشته باشم. آنچه موجود بود، ترجمانی از موجودی‌های چند سال پیش روایات ترکی از معرفی شیعیان ترکیه به جامعه ترکیه بود. روایات ایرانی بیشتر به اسلام‌گرایان اهل سنت از جنس حرکت‌های اجتماعی - سیاسی مرحوم اربکان و اردوغان علاقه داشتند و در باب اقلیت‌های ترکیه نیز حجم سنگینی از سخنان، پیرامون علویان بود. از دید روایات ایرانی، شیعیان ترکیه اقلیتی بودند که چندان قابل ذکر نیستند. تا حدی که به اشتباه، مراسم عاشورای محله هالکالی استانبول به عنوان تجلی‌گاه اصلی شیعه ترکیه، در اذهان ایرانی به عنوان مراسم

علویان ترکیه حک شده بود و چه اشتباه فاجعه‌باری: یکی انگاشتن شیعیان دوازده‌امامی با علویانی که نزد اکثریت اهل سنت ترکیه به عنوان یکی از سرچشمه‌های اصلی رواج چپ‌گرایی [۵] و بی‌خدایی در جامعه مسلمان ترکیه شناخته می‌شدند [۶].

ما بقی مطالعاتم در زمان حضور بین جماعت شیعه آذری ترکیه صورت پذیرفت. به دنبال روایات ترکی از شیعیان ترکیه، برایم جالب بود بدانم یک دانشجوی ترکیه‌ای اگر بخواهد با اقلیت شیعیان کشورش آشنا شود کتابخانه دانشگاهش تا چه میزان یاریگر او خواهند بود؟ با مراجعه به سایت‌های پژوهشی دانشگاهی مانند درگی پارک [۷] که به آرشیو و نمایه نمودن مقالات و مجلات دانشگاهی می‌پردازند چه به دست خواهد آورد؟ اگر می‌خواستیم نگاه آینده را نسبت به شیعیان ترکیه بفهمیم، باید بررسی می‌کردم که اکنون از شیعه ترکیه چه می‌خوانند و چه می‌شنوند (و چه می‌بینند)؟ امید اندکی داشتم که در این جستجو ارتباط شیعیان ترکیه را با انقلاب اسلامی ایران نیز بیابم که موفق نشدم. جهت ادامه دادن مطالعه روایات ترکی، به نحوی که به نکته بالا نیز دست یابم، پیش‌تر باید به این پرسش پاسخ می‌دادم: «تصمیم‌سازان آینده جامعه ترکیه در کجا تحصیل می‌کنند و تربیت می‌شوند؟» پاسخ به این پرسش مرا راهنمایی می‌نمود که در کجا باید به جستجو پردازم. پس از مدتی زندگی در جامعه ترکی، سه محل به ذهنم رسید:

- مدارس و دانشگاه‌های فتح‌الله گولن

- مدارس امام خطیب

- دانشگاه‌های سطح اول؛ یعنی بوغازیچی، بیلکنت، سابانچی، استانبول و غیره. دو گروه نخست مستقیماً وارد عرصه سیاسی می‌شدند و دارای خط‌و‌ربط مشخص بودند. به عبارتی برچسب گولنی یا امام خطیبی می‌خوردند اما گروه دوم؛ برچسب مثلاً فارغ‌التحصیل بوغازیچی را نتوانستم کشف کنم اما دانستم که نفس تحصیل در دانشگاه‌های سطح اول اعتبار می‌آورد. در دوران حضورم در ترکیه، برخی از دانشگاه‌ها و دوره‌های آموزشی‌شان از سوی دولت تعطیل شده بود. بهانه تعطیل نمودن آنها، کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه بود که دولت انگشت اتهام را به سوی جنبش فتح‌الله گولن نشانه رفته بود. حساسیت بر روی جنبش فتح‌الله گولن به میزان بسیاری بالا بود و اندکی نیز با دیدگاه‌های ضدشیعی فتح‌الله گولن آشنا بودم، به این دلیل و نیز به سبب

توصیه دوستان شیعه ترک، از مطالعه بر روی آن صرف نظر کردم. مدارس امام خطیب نیز چون در سطح دبیرستان بودند و همچنین به جهت محدودیت زمان حضور در میان جماعت شیعه ترکیه، از دامنه بررسی حذف شدند. در نهایت تمام توان خود را بر روی رده دانشگاه‌های سطح اول گذاشتم و از میان آن‌ها، با توجه به امکان دسترسی، دو دانشگاه بوغازیچی و استانبول را برگزیدم. دانشگاه بوغازیچی در سال ۱۸۶۳ میلادی به عنوان کالجی آمریکایی تأسیس شده و در ۱۹۷۱ به دانشگاه عمومی تغییر سازمان داده بود. زبان تحصیل در آن انگلیسی است و از جمله افرادی که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند می‌توان احمد داووداوغلو، وزیر امور خارجه سابق ترکیه را نام برد (Boğaziçi üniversitesi: 2017). تاریخ دانشگاه استانبول نیز به سال ۱۸۴۶ میلادی بازمی‌گشت، زمانی که دارالفنون در امپراتوری عثمانی تأسیس شده بود و در ۱۹۲۴، با تغییر عثمانی به جمهوری لائیک ترکیه، نام دارالفنون به دانشگاه استانبول تغییر یافت. از فارغ‌التحصیلان مهم این دانشگاه در دوران اخیر می‌توان به عبدالله گل، رئیس جمهور سابق ترکیه، اشاره کرد (İstanbul üniversitesi: 2017) [۸]. در کتابخانه این دو دانشگاه شروع به جستجوهای مرتبط با شیعه با کلیدواژگانی از قبیل *Islam and politics, Religious life, caferiye, Şii, Shīah, Caferilik* و غیره نمودم. بیشتر کتاب‌ها مرتبط با ایران یا علویان ترکیه بود. پس مفهوم شیعه در بخش دانشگاهی ترکیه با علوی‌گری و ایران پیوند خورده است. در نتیجه احتمالاً شیعیان ترکیه را جزئی از علویان می‌دانند یا گروهی تحت تأثیر ایران.

سه محدودیت را بر جستجویم اعمال کردم و از کتب خاص ایران، کتب خاص علویان و کتب با نگاه تاریخی درباره شیعیان در دوره عثمانی صرف نظر کردم. در نهایت سیزده کتاب قابل استفاده را یافتم. سه کتاب مستقیماً مرتبط با اصل موضوع یعنی شیعیان ترکیه بود. دو کتاب نزاع شیعه و سنی در خاورمیانه را بررسی می‌کرد، دو کتاب مردم‌نگاری واقعه کربلا در مناطقی غیر از ترکیه بود و شش کتاب بیانگر نوع نگرش شیعه به جهان اطرافش در دوران مدرن. در ده کتاب متأخر، شیعیان ترکیه بخشی از روایت کتاب را تشکیل می‌دادند و نه همه روایت را.

یک کتاب خوب که به دست آورم، کتاب «آیین‌های فرهنگی و دینی شیعیان» [۹] نوشته خانم امینه اوزتورک بود. این کتاب که در کتابخانه دانشگاه بوغازیچی ذیل

موضوعات آیین‌ها و مراسمات شیعه، مراسمات و جشن‌های شیعه، دهم محرم و در نهایت ترکیه طبقه‌بندی شده، زیست دینی - اجتماعی شیعیان شهر ایغدیر را توصیف می‌کند. کتاب توسط انتشارات راغب[۱۰] در شهر استانبول در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است. نویسنده هدف از پژوهش را یافتن نقش هویت دینی شیعیان ترکیه در شکل‌دهی هویت ملی آنان بیان می‌کند. ایشان فرض گرفته بود که ریشه‌های دینی شیعیان ترکیه، مهم‌ترین نقش را در ساختار هویت ملی آذری‌های ترکیه ایفا می‌کند. نویسنده به این امر توجه داشته که این دو هویت نسبت عموم و خصوص من وجه نسبت به هم دارند. پس ادعای این‌همانی این دو مفهوم یا اصل و فرع نمودن آنان را نمی‌کند. کتاب خانم اوزتورک یک سیر منطقی را طی می‌کند. ابتدا با روایتی تاریخی، مبتنی بر داده‌های صحیح و بی‌طرفانه که مورد مناقشه شیعیان و اهل سنت نیستند، پیدایی مذهب شیعه را شرح می‌دهد. در کتب قدیمی شیعه مذهب پنجم بود و چهار مذهب اهل سنت مبتنی بر نگرش ارتدوکسی که درستی را با اکثریت می‌داند، از این مذهب پنجم مجزا شدند. شیعه در این نگاه تاریخی مذهب عزاداری معرفی می‌شود و نمادهای این مذهب عزاداری محرم و عاشورا، روضه، تعزیه، سینه‌زنی و عقاید مهدویت هستند. نگرش زنان شیعه به جهان اطراف را نیز حیات و شهادت حضرت فاطمه سلام‌الله علیها و مراسمات شهادت آن حضرت شکل می‌دهد.

خانم اوزتورک یک نظر جالب داشتند و آن اثرپذیری دین اسلام از فرهنگ پیشااسلامی جوامع مختلف است. مبتنی بر این نظر، مراسمات عزاداری پیشااسلامی ایران نیز در شیعه اثر گذاشته و مصداق بارز آن سوگ سیاوش است. و باز مبتنی بر این نظر، شیعیان ترکیه عزاداری ایرانی را مناسب ظرف هویت ملی خود نموده و یک نوع عزاداری شیعی ترکیه‌ای ایجاد کرده‌اند. پایه بسیاری از آیین‌های عاشورا و سایر سنن آذری‌های ایغدیر در هویت، کشور یا جامعه ترکی نیز هست؛ در نتیجه این آیین‌ها و سنن تنها از هویت، کشور یا جامعه ایرانی اثر نپذیرفته است.

هر چقدر که کتاب را بیشتر مطالعه می‌کردم، با این نظر نویسنده به مشکل برمی‌خوردم. چون احساس می‌کردم روایت زیست شیعی یک جماعت آذری، مانند جماعات آذری ایران را مطالعه می‌کنم و اماره‌ای بر شکل‌دهی عزاداری و شیعی‌گری ترکیه‌ای حداقل در عزاداری‌ها و مراسمات نمی‌دیدم.

در ادامه معرفی مذهب شیعه نویسنده عقاید و آیین شیعه را برحق بودن حضرت علی (علیه السلام)، اعتقاد به دوازده معصوم (علیهم السلام)، محرم و عاشورا، تعزیه (با منشأ ایرانی)، روضه، سینه‌زنی و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) معرفی می‌کند. عقاید پایه‌ای شیعیان را نیز پنج اصل دین، مسئله اهل بیت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (و اختلافات شیعه و سنی در این باب همراه با بیان دلایل شیعیان)، نمازهای پنج‌گانه و روزه گرفتن در ماه رمضان، دعای توسل و مراسم محرم و عاشورا بیان می‌کند.

با پی گرفتن نگاه تاریخی، نویسنده در بخش دوم کتابش تاریخ شهر ایغدیر را به شکل فشرده روایت می‌کند. ریشه شیعیان ایغدیر جمهوری آذربایجان است و مهاجرت آذربایجانی‌ها به ایغدیر این شهر را از یک شهر کردنشین به شهری کرد-آذری‌نشین تغییر داده است (در ادامه خواهیم نوشت که برخی از روایات تاریخی ایغدیر را در اصل یک شهر ارمنی‌نشین می‌دانند).

با گذر از مقدماتی که لازمه آشنایی خواننده با فضای پژوهش است، خانم اوزتورک به بیان شیوه مردم‌نگاری خود می‌پردازد. ایشان با بیست نفر از اهالی ایغدیر به شیوه آزاد مصاحبه نموده و سعی کرده بود با ترکیب مشاهدات خود، یک تصویر کلی از زیست دینی - اجتماعی شیعیان ایغدیر ارائه دهد. وقتی کتاب را می‌خواندم آنگاه که به این عقیده اهالی ایغدیر رسیدم که اگر کسی در روزهای نهم و دهم ماه محرم کار کند ضرر می‌بیند برایم جالب آمد؛ زیرا در شهر خوی، زادگاهم، نیز چنین عقیده‌ای را شنیده بودم [۱۱]. همچنین برگزاری مراسمات سوم، هفتم و اربعین برای امام حسین (علیه السلام) توجه مرا جلب کرد.

بررسی و شرح قسمت‌های مختلف یک مرثیه که در روز عاشورا خوانده می‌شود به همراه شرح محتوای مراسم شبیه‌خوانی در ایغدیر بخش دیگری از کتاب را تشکیل می‌دهند. شبیه‌خوانی روز عاشورا در همه روستاهای ایغدیر رواج دارد. نکته دیگر در باب روستاهای ایغدیر، تشکیل گروه‌های «پیراهن سفید» [۱۲] است که سرها را تراشیده و قمه می‌زنند. قمه‌زنی در روستاها رواج دارد اما در شهر اعتقاد به حرام بودن آن است. نویسنده به زنجیرزنی و رواج کمتر آن نسبت به سینه‌زنی، نذر و پخش شربت، چرخاندن حجله قاسم و عَلم نیز پرداخته است. وی در بیان ریشه تاریخی حجله قاسم به رد یا اثبات آن پرداخته و صرفاً راوی دیدگاه بوده. نیز در عَلم به نماد

پنجه علی (علیه‌السلام) در بالای آن توجه کرده است. (می‌توانم بگویم این نماد از علویان به شیعیان به ارث رسیده است. شیعیان تأثیرپذیری‌های دیگری نیز از علویان داشته‌اند؛ مانند استفاده گسترده از تمثال مبارک حضرت علی (علیه‌السلام) در خانه‌ها و مغازه‌های خود). هر قدر که در کتاب پیش می‌رفتم، جذابیت آن برایم دوچندان می‌شد. به‌خصوص زمانی که به شرح زندگی روزمره آذری‌های ایغدیر در یک هفته منتهی به عاشورا رسیدم. تغییر در شهر، تصاویر و سخنان امام حسین (علیه‌السلام)، تغییر در برنامه مساجد، قرائت قرآن در قبرستان شهر و... از جمله فرازهای شرح خانم اوززتورک بود. در بخش چهارم کتاب، نویسنده به سایر سنن آذری‌های ایغدیر شامل ختنه و نام‌گذاری، عروسی و تولد فرزند، مراسم شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، فوت و دفن میت و در نهایت نوروز پرداخته است. در بررسی این مراسمات نویسنده سعی داشته بار دیگر از توان روایت تاریخی خود بهره‌برد، به همین جهت در برخی از مراسمات به دو وجه ایغدیر قدیم و ایغدیر اکنون و تفاوت میان سنن ایغدیر در چهل سال پیش با اکنون پرداخته است. مانند نام‌گذاری در ایغدیر قدیم که بیشتر نام‌های عباس، بلال، جبار، ابوالفضل، ابوالحسن، اکبر، علی اکبر، آسیه، فاطمه، امینه، زهرا و زینب بود (Öztürk, 2011).

کتاب «آیین‌های فرهنگی و دینی شیعیان» با رویکردی مردم‌شناسانه سعی در شناساندن شیعیان آذری ایغدیر به جامعه دانشگاهی ترکیه دارد. در این شناسایی به اتهامات و بدبینی‌های احتمالی جامعه ترکیه علیه شیعیان توجه شده و سعی در پاسخ‌گویی غیرمستقیم به آن اتهامات و به زبان علمی - تجربی داشته است. از جمله این اتهامات یکسان‌انگاری علویان و شیعیان ترکیه است و هنگام مطالعه این احساس به من دست داد که شرح ریز و دقیق میزان اهتمام و اهمیت عبادات مانند نماز و روزه در شیعه، تلاشی است برای رد انگاره یکی بودن علوی و شیعه.

اما مهم‌تر از این انگاره، انگاره ایرانی و صفوی بودن مذهب شیعه است. وجه همت اصلی خانم اوززتورک رد این انگاره بود که البته من را قانع نکرد. اینکه یک خانم نویسنده کتاب بود، به معنای اهتمام به دیدگاه‌های بانوان نیز بود. بیشتر منابع مصاحبه نویسنده بانوان اهل ایغدیر بودند و این امر موجب توانمندی کتاب در ترسیم زیست اجتماعی شهر ایغدیر متشکل از خانواده‌ها و نه فرد فرد مردان شده بود.

کتاب دیگر، نامش «حسین وای: مراسمات محرم در شهر ایغدیر» [۱۳] بود. نویسنده کتاب، آقای ارکان بدر، کتاب را در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسانده بود و در حقیقت پایان‌نامه ارشد ایشان در دانشگاه آتاتورک، واقع در شهر ارض‌روم بود. کتاب به سه بخش تقسیم شده بود. در بخش اول مراسمات خاص محرم، از قبیل روز عاشورا، تاسوعا، دسته‌های عزاداری، حجله قاسم، گهواره حضرت علی اصغر، نذر، شام غریبان، نوحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی، شبیه‌خوانی، قمه‌زنی، پخش شربت، اهدای خون، هفتم و اربعین امام حسین (علیه‌السلام) و غیره نام برده و شرح داده بود.

در بخش دوم کتاب، نویسنده شیوه برگزاری و اجرای مراسمات را هدف قرار داده و ذیل آن زمان شروع و خاتمه، مکان، شیوه مشارکت مردم در برگزاری، نوع لباس‌هایی که مردم، عزاداران دسته‌های سینه‌زنی و روحانیون در حین مراسم می‌پوشند، تشریفات هر مراسم، شیوه تهیه و پخش نذورات (مبتنی بر مکان: مسجد، خانه، خیابان‌ها)، رفتن بر سر قبر فوت‌شدگان [۱۴]، ابزارآلات موسیقی‌ای که در عزاداری‌ها به کار می‌رود و غیره را شرح داده بود. در این بخش همگی روایت‌ها مبتنی بر شیوه اجرای آنها در شهر ایغدیر بود. مهم‌ترین قسمت این بخش، بحثی بود که نویسنده در بیان تأثیرات این مراسمات بر زندگی اجتماعی مردم شهر ایغدیر داشت.

بخش سوم، بیان توصیفی آن چیزی بود که نویسنده از مراسمات ماه محرم در داخل مسجد، بیرون از مسجد، شب تاسوعا، روز عاشورا، مراسمی که در میدان عاشورای شهر ایغدیر برگزار می‌شود، نوحه‌هایی که هنگام سینه‌زنی و زنجیرزنی خوانده شدند و غیره دیده و شنیده است (Beder, 2012). کتاب خانم اوزتورک را بیشتر پسندیدم؛ با این حال این کتاب در بیان جزئیات دقیق‌تر از کتاب خانم اوزتورک عمل کرده بود.

کتاب دیگر، دایره‌المعارف تاریخ استانبول بود که در جلد پنجمش، حدود هفت صفحه درباره شیعیان استانبول نگاشته شده بود. نویسنده این هفت صفحه، آقای عبدالقدیر یلر بود. بر اساس آن نوشته، شیعیان استانبول ابتدا تجار ایرانی مهاجر بودند. در سال ۱۸۵۱ میلادی حدود ۲۴۳ ایرانی مهاجر در شهر استانبول ساکن بودند که مراکز سکونت و تجارت خود را در منطقه اسکودار، بشیکتاش و به محوریت پاساژ والده خان متمرکز نموده بودند (این پاساژ تا به امروز به عنوان مرکز تجاری ایرانیان

معرفی می‌شود). در دوره عثمانی، شیعیان همان ایرانیان مهاجر بودند و روابط دولت عثمانی با شیعیان از طریق سفارت ایران تنظیم می‌شد. ایرانیان مهاجر برای خود مسجد، قبرستان و غسل‌خانه ساختند. از جمله آن سازه‌ها مسجد والده خان بود. این مسجد پس از انقلاب اسلامی ایران محل رجوع دانشجویانی شد که می‌خواستند از انقلاب اسلامی ایران بیشتر بدانند؛ همچنین محل اجتماع سمپات‌های انقلاب اسلامی ایران گشت. مسجد دیگر ایرانیان، مسجد سید احمد دره‌سی در داخل قبرستان ایرانیان در اسکودار است. در این قبرستان علاوه بر ایرانیان، بزرگان شیعه ترکیه مانند مرحوم عبدالباقی گلپینارلی دفن شده‌اند.

از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی نیز موج مهاجرت اهالی آذری شیعه ایغدیر و کارس به استانبول، در جستجوی کار، به راه افتاد. مهاجرانی که این بار تابعیت جمهوری ترکیه را داشتند. مهاجران ابتدا در مناطقی مانند بالات، کاراگمرک و قاسم پاشا ساکن شدند، اما مهاجران بعدی در جستجوی مناطق دیگر، به سوی مناطق هالکالی، زیتین‌بورنو، باهچلی اولر (محل هازندار) و باغجتلار (محل فوزی چاکماک) کشیده شده و این مناطق ثانی، محل تجمع و اجتماع شیعیان شدند. در حال حاضر محل کاییش داغی در منطقه کادی کوی نیز به محلات مورد اعتنای شیعیان جهت زندگی اضافه شده است. به سبب تفاوت‌هایی که در شیوه عبادات شیعیان و اهل سنت وجود دارد، شیعیان به دنبال مساجد شیعی در استانبول بوده و مساجد شیعی را بنا کردند. اما برخلاف ایرانیان قبرستانی مختص به خود ایجاد نمودند.

اجتماع شیعیان استانبول پیرامون مساجد شیعی شکل گرفته است. در حال حاضر مهم‌ترین مسجد شیعیان استانبول، مسجد زینبیه در هالکالی است که در سال ۱۹۸۱ میلادی از سوی شیعیان آذری بنا شده است. پس از افتتاح مسجد زینبیه، برخی شیعیان سایر مناطق استانبول نیز به سوی هالکالی کشیده شدند و هالکالی مرکز شیعیان استانبول گردید. امروزه حدود ۳۵ الی ۴۰ مسجد شیعی در استانبول وجود دارد. پس از زینبیه، مسجد امام علی (ع) در محل فوزی چاکماک باغجتلار دومین مسجد مهم شیعیان استانبول است. پس از آن نیز مسجد مهدیه محل هازندار باهچلی اولر، مسجد ابوطالب خیابان یکی تلی و مسجد امام حسین (ع) کاییش داغی

کادی کوی مساجد بزرگ و مهم شیعیان استانبول به شمار می‌روند. مسجد شیعیان، تنها محل عبادت نیست بلکه محلی برای فعالیت‌های اجتماعی نیز هست. سالن عروسی، سالن ورزش، باشگاه ورزشی، انجمن‌های مختلف، مراکز خیریه و امثال آن حول مساجد شیعی بنا شده‌اند. رهبری شیعیان استانبول به دست امامان جماعت مساجد است که به آنها آخوند می‌گویند و رهبر شیعیان استانبول آخوندی به نام شیخ صلاح‌الدین اوزگوندوز است (Yeler, 2015: 316-365).

علاوه بر کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات را نیز مورد توجه قرار دادم و در جستجوی پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط، محدودیتی در عنوان دانشگاه قائل نشدم اما دامنه جستجویم را به سال‌های اخیر محدود نمودم. دلیل آن نیز تغییرات بسیار در جامعه ترکیه، از سال ۲۰۰۲ به بعد بود. به دیگر سخن به دنبال اکنون و تاریخ اخیر شیعیان ترکیه بودم و نه گذشته دور.

با جستجویی که نمودم، متوجه شدم دکتر یلر مطالعات متعددی درباره شیعیان ترکیه دارد. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد ایشان «شیعیان در جامعه ترکیه: مورد مطالعه محله هالکالی استانبول» [۱۵] نام داشت. در چکیده پایان‌نامه ایشان آمده بود که عوامل متعددی جعفریه (شیعیان فقهی) را با جامعه سنی مذهب ترکیه همراه می‌کند. عواملی مانند تاریخ و جغرافیای مشترک، وحدت ملی، وحدت دینی، وحدت فرهنگی و شیوه زیست اجتماعی - خانوادگی. از دیگر سو عواملی مانند تفاوت‌های مذهبی، شیوه‌های عبادت، آموزش‌های مذهبی و امکان چنین آموزش‌هایی برای شیعیان موجب تمایز میان اکثریت اهل سنت جامعه ترکیه و شیعیان ترکیه می‌شود (Yeler, 2006: 1) [۱۶].

دکتر یلر پایان‌نامه ارشدشان را در سال ۲۰۰۶ نوشته بودند. پایان‌نامه از سه بخش تشکیل شده بود. بخش نخست هدف، چرایی و کاربرد آن برای ترکیه و این قبیل امور بود. مسئله پایان‌نامه این بود که:

«شیعیان ترکیه به لحاظ دینی مسلمان‌اند، به لحاظ نژادی ترک و نیز تبعه جمهوری ترکیه، از میان فرقه‌های اسلامی موجود در ترکیه نزدیک‌ترین فرقه به اهل سنت‌اند (به لحاظ اعتقادی) اما از سوی دیگر دارای عقاید خاص خود هستند و تابع مجتهدینی‌اند که در ایران و عراق زندگی می‌کنند. بر این اساس، جماعت شیعیان ترکیه مبتنی بر

یگانگی اجتماعی در چه زمینه‌هایی با جامعه ترکیه یکی است و در چه زمینه‌ها و موضوعاتی متفاوت‌اند؟» (Yeler, 2006: 2).

به دیگر معنا، دکتر یلر ارتباط هویتی - اجتماعی شیعیان ترکیه را با هویت ترکی یک ارتباط از نوع عموم و خصوص من وجه می‌داند. وجوه یگانگی این ارتباط را می‌توان تاریخ و جغرافیای مشترک، وحدت ملی، وحدت دینی، وحدت فرهنگی و ازدواج میان شیعیان و اهل سنت دانست. اما وجوه اجتماعی تفاوت را می‌توان عواملی همچون تفاوت مذهبی، تفاوت محل‌های عبادت، عدم امکان تحصیلات شیعی و احکام متفاوت در دو مذهب شیعی و سنی نام برد.

پایان‌نامه مانند بقیه پژوهش‌های مرتبط ابتدا با عقاید و اصول و فروع دین و عبادات شیعیان شروع شده و سپس بر روی جمعیت و پراکندگی جغرافیایی شیعیان ترکیه متمرکز می‌شود. در این تمرکز، شیعیان به دو گروه ساکنان مناطق تاریخی و مهاجران تقسیم می‌شوند. ایغدیر، کارس و اطراف این دو شهر مناطق تاریخی حضور شیعیان و شهرهای بزرگ مانند استانبول و آنکارا مناطق مهاجرتی شیعیان هستند؛ در کل شیعیان ترکیه جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند و حدود دو سوم جمعیت شهر ایغدیر نیز شیعه هستند. همچنین حدود ۵۰۰ هزار شیعه در استانبول زندگی می‌کنند.

بخش سوم بررسی نتایج پژوهشی است که به صورت پرسشنامه‌ای انجام شده است. جمعیت نمونه ۲۰۶ نفر از شیعیان دو منطقه هالکالی و باهچلی اولر استانبول بود. پرسش‌های سیاسی که منجر به فهم بینش سیاسی شیعیان استانبول و نیز مسائل سیاسی پیش روی شیعیان استانبول می‌شد، مهم‌ترین مبحث این بخش بود که مرا به خود جلب نمود. برایم جالب بود که به برخی از پرسش‌های سیاسی تعداد قابل توجهی از جمعیت نمونه پاسخ نداده بودند. مثلاً در پرسش «اگر امکان انتخاب داشتید، دوست داشتید در کدام کشور زندگی کنید؟» ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان در قبال گزینه ایران، پاسخی نداده بودند. این عدد برای گزینه آمریکا ۵۶ درصد و برای گزینه اتحادیه اروپا ۴۴ درصد بود. از بقیه پرسش‌ها و پاسخ‌ها نیز برمی‌آید که شیعیان ترکیه در عرصه سیاسی، افرادی محافظه‌کار هستند (Yeler, 2006).

پایان‌نامه‌های دیگری نیز بودند که گذر زمان باعث شده بود دانشجویان و پژوهشگران دوران اخیر، محتوای بروزتری از محتوای آنها را ارائه دهند و رجوع به آن